

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه قارعه، ۱۶ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ (۱۰)

سوره با یک اتفاق کوبنده شروع می‌شود.

قارعه یعنی کوبنده. یکی از اسم‌هایی هست که به قیامت داده شده است. این اتفاق کوبنده را سوره معرفی می‌کند. یک زمان و یک روز هست. روزی هست که انسان‌ها مانند شاپرک‌های پراکنده می‌شوند. شاپرک‌های ریز را دیدید که دور یک چراغ پرواز می‌کنند؟ شکل پروازشان به صورت پراکنده هست. مثل ماهی‌هایی که با هم هماهنگ حرکت می‌کنند نیست. پروازشان در هم رفته است و جهت مشخصی ندارند.

کوهها مثل پشم‌های رنگارنگ حلاجی شده می‌شوند که ذراتشان در هوا پخش می‌شود. یک همچین روزی را ترسیم می‌کند.

یک اتفاق کوبنده و روزی که روابط انسانی به این معنا وجود ندارد، روزی هست که هر انسانی در یک جهتی حرکت می‌کند و طبیعت که کوه‌ها نماد استحکام آن هست، از هم پاجیده می‌شود.

در این روز، افراد دو دسته هستند:

- فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

- وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

پای وزن و ارزشمندی وسط هست. برخی میزان‌ها، ابزار سنجششان سنگین است و برخی سبک. آنها که ترازویشان سنگین است در یک زندگی خوش و شادی هستند. در همان شرایط ترسناک و کوبنده، این افراد آماده قرار گرفتن در یک زندگی خوش هستند.

ولی آنها که ترازویشان سبک است، پناهگاهشان، مادرشان هاویه است. ام یعنی مادرشان که اصل و ریشه یا پناهگاهشان هست. بعد می‌گوید که چه چیز به تو فهماند که هاویه چیست؟ یک آتش پر حرارت هست.

وقتی قیامت یک اتفاق کوبنده رخ می‌دهد، همه چیز در نظام طبیعت بهم می‌ریزد،

آدمها براساس اینکه ترازوهایشان و وزن عمل شان چقدر باشد، دارای یک زندگی خوش و یا یک زندگی هول انگیز خواهند بود، به طوریکه پناهگاهشان فقط آتش است. سوره قارعه ما را انداز می‌دهد و تشویق می‌کند که ترازوهایمان را سنگین کنیم و وزن اعمالمان را بالا ببریم تا وقتی با چنین صحنه‌ای مواجه شدیم، در زندگی خوشی باشیم.

## ارائه سوره برای بچه‌های دبستانی

این سوره درباره قیامت است. مستقیماً در مورد قیامت با بچه‌ها صحبت نمی‌کنیم. سوره‌های زیادی در مورد قیامت صحبت می‌کنند هر کدام یک وجه خاصی را مطرح می‌کنند، غرضهای متفاوتی دارند. سوره قارعه اولاً قیامت را یک اتفاق کوبنده معرفی می‌کند، ثانیاً بیان می‌کند آدمها براساس وزن اعمالشان سرنوشتشان تعیین می‌شود. این دو موضوع در این سوره مهم است. برای بچه‌ها روی سنگین بودن وزن اعمال تمرکز می‌کنیم. روی هول انگیز بودن قیامت را به خاطر اینکه قدرت درک این فضا را ندارند، مطرح نمی‌کنیم.

آن چیزی که وزن اعمال را سنگین می‌کند، نیت اعمال است. آدمها درست است که می‌توانند اعمال خوب بیشتری انجام دهند تا وزن اعمالشان زیاد شود ولی می‌توانند به راحتی با ارتقای نیت شان وزن عملشان را بالا ببرند.

در یک فرایندی بچه‌ها را با سنگین کردن اعمالشان بوسیله ارتقای نیت‌هایشان آشنا می‌کنیم:

اولاً آنها را با این مواجه می‌کنیم که می‌توانند به کارهایشان جنبه معنوی بدهند. سپس بحث نیت را برایشان مطرح می‌کنیم، بدانند می‌توانند اعمالشان را نیت دارد کنند.

بعد بدانند نیت آنقدر ارزش دارد که اگر خوب باشد، به خاطر همان نیت می‌توانند پاداش بگیرند.

بعد با اعمالی که نمی‌توانند نیت خوبی داشته باشند، آشنا شوند.

بعد یاد بگیرند که اعمال خوب که می‌تواند با نیت خوب انجام بشود را شناسایی کنند و سعی کنند که انجام دهند و دیگران را به انجام آن تشویق کنند.

سپس اعمال خوب با نیت‌های خوب را به صورت گروهی انجام دهند که جلوه خوبی هم داشته باشد و وزن بالاتری پیدا کند.

## تدبر در سوره

### الْقَارِعَةُ (۱)

شروع خاصی دارد. با کلمه قارعه شروع می‌شود.

قارعه بر وزن فاعله است. اکثر اسم‌های قیامت در قرآن همین وزن را دارد مانند آخره، حاقه، تامه و خیلی اسم‌های دیگر. هم فاعل هستند هم تانیث دارند که جلوه بیشتری را نشان می‌دهد. قارعه از ریشه قرع به معنای کوبیدن هست. قارعه در ترجمه می‌گویند کوبنده. سوره اینطوری شروع می‌شود که می‌گوید: کوبنده!

### مَا الْقَارِعَةُ (۲)

کوبنده چیست؟ با یک استفهام ادامه می‌دهد در مورد چیستی قارعه. توجه ما را به ماهیت این قارعه جلب می‌کند

### وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

چه چیز به تو فهماند که قارعه چیست

وما ادراک در مواردی استفاده می‌شود که یک حقیقتی اگر خدا ماهیت و چیستی اش را معرفی نکند، راه درک دیگری برای آن نداریم. توجه می‌دهد به مبدا درک این حقیقت. اگر خدا معرفی نمی‌کرد ما نمی‌فهمیدیم

### يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

قارعه را به صورت یک روز معرفی می‌کند. روزی که می‌شوند یا می‌باشند مانند فراش مِبْثُوث. فراش در ترجمه‌ها می‌گویند پروانه. مِبْثُوث از بَث یعنی پراکنده شدن.

با عرب زبان‌ها که صحبت می‌کردم، الفِراش را می‌گفتند فراش به شب پره‌ها می‌گویند نه این پروانه‌های بزرگ بال‌قشنگ. به این حشره‌های ریزی که شب‌ها دور چراغها هستند. صحنه خیلی هم قشنگ نیست. پرنده‌ها که با یک فوج در یک جهت حرکت می‌کنند، اینها آنگونه نیستند. عده زیاد هست ولی پراکنده پرواز می‌کنند. به هم کاری ندارند، برخی به هم می‌خورند، برخی می‌خورند به دیوار و...

ناس به انسان از منظر ارتباطات و مواجهاتش می‌گویند. یک جور انس‌گیری ادماها با هم مطرح هست. در سوره زلزال می‌فرماید یصدر الناس اشتاتا، ناس به صورت متشتت بیرون می‌آیند. خود اینکه در روز قیامت ناس با هم انس و ارتباطی که با هم دارند، مشتت هستند، قابل توجه هست. هر کس وضعیت خود را دارد و درگیر کارهای خودش هست. پایشان هم به جایی بنده نیست و اتکای خاصی هم ندارند. بدون جهت مشخص دنبال چیزی حرکت می‌کند.

تصویر خیلی هول‌انگیزی هست.

قتی قرآن می‌خوانیم یا باور می‌کنیم یا نمی‌کنیم. اگر باور نمی‌کنیم یعنی به قرآن اعتقاد نداریم. وقتی باور می‌کنیم باید بدانیم این اتفاق قطعی است و نگران باشیم. مثلاً می‌گویند یک روز ممکن است تهران زلزله بیاید، این خبر احتمالی خیلی‌ها را ناراحت می‌کند ولی این چیزی که قرآن می‌گوید احتمالی نیست، اتفاقی قطعی هست. جا دارد که یکم نگران بشویم و توجه کنیم که این اتفاق زود می‌رسد، عمر من محدوده‌ای دارد و تمام می‌شود. تا روز قیامت در آیات پایانی سوره نازعات می‌گوید، از مرگ تا روز قیامت، یک صبح تا شب یا شب تا صبح طول می‌کشد. قیامت اتفاق نزدیکی هست. باید باور داشته باشیم و بدانیم این اتفاق می‌افتد. ما ممکن است در عمرمان زلزله تهران را نبینیم. وقتی به عنوان یک اتفاق بدون تردید به آن نگاه کنیم، باید نگران شویم و به فکر چاره بیفتیم.

## وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

آنروز کوه‌ها که نماد استحکام هستند، مانند پشم حلاجی شده ریش ریش می‌شوند، اجزایشان از هم جدا می‌شود. علاوه بر روابط انسانی که دیگر آن رابطه را ندارند، کوهها هم استحکامی که داشتند را دیگر نخواهند داشت. هم روابط انسانی و هم نظام طبیعی از هم می‌پاچد. برای استحکام همیشه مثال می‌زنیم که مثل کوه محکم است و هیچ زلزله‌ای نداریم که بتواند کوهها را ریش ریش کند و صحنه آن زلزله خیلی هول انگیز است.

## فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

"اما" در قرآن حرف تفریع است، دسته بندی می‌کند. با "اما" ی فارسی متفاوت است.

موازن جمع میزان، وسیله سنجش وزن است. وزن یعنی ارزش. در قرآن یک ثقل هم داریم، مثبت و منفی ندارد. به سنگینی گفته می‌شود. ولی وزن مثبت است، به معنای ارزش است. خداوند در آیه ۱۰۵ سوره کهف می‌فرماید:

فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا، خداوند برای کافران وزنی اقامه نمی‌کند، ارزشی قائل نمی‌شود.

موازن، چیزی که ارزش اعمال را می‌سنجد. برای جنبه‌های مختلف اعمال ابزارهایی داریم. ثقلت، سنگین شد. خفت، سبک شد.

آدم‌ها دو دسته اند.

کسانی که وزن اعمالشان سنگین شد، پس او در یک زندگی رضایت بخش هست.

## فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

عیش یعنی خوش. راضیه با رضایت هم ریشه هست، به معنای رضایت آور هست. یک زندگی خوش راضی آور دارد.

رضایت در قرآن باشکوه است، با رضایتی که ما در فارسی بکار می‌بریم کمی فرق دارد.

مثل تصویری که ما از خوشبختی داریم، می‌ماند.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

کسانی که ارزش اعمالشان سبک شده، مادرش هاویه است.

آیه دردناکی است.

ام یعنی مادر، اب یعنی پدر. در قرآن ام بیشتر به معنای ریشه و اصل هست. مثلاً ام گیاه، ریشه یا خاکی که ریشه در آن هست، می‌باشد. بن، ریشه، جایکه رزق از آنجا می‌آید را ام می‌گویند.

اب یعنی سرپرست، مربی. ام برای گیاه، باغچه هست، اب برای گیاه باغبان است. والد، آن است که مبدا تولد بچه است، کسی که بچه را تولید کرده است. ام و اب جنبه تربیتی‌اش بیشتر مد نظر است. رابطه‌اش اینگونه هست که بچه در دامن مادر است، از او ارتزاق می‌کند و رشد می‌کند. از آنطرف پدر نقش مدیریت و سرپرستی و رفع نیاز را دارد.

در آیه می‌گوید این فرد یک مادری دارد، اصل و ریشه‌ای دارد، اگر بخواهد از جایی ارتزاق کند، آغوشی هست، اگر بخواهد تحرکی داشته باشد، بستری وجود دارد، امش هاویه است.

هاویه بروزن فاعله است از ریشه هَوَى، (کلمه هوای نفس هم از این ریشه است) به معنی میل به سقوط، تمایلات پست. تمایلاتی که به سمت سقوط هست. وقتی چیزی پایین می‌افتد می‌گویند هوی. هاویه یعنی چیزهایی که در آنها تمایل به پایین آمدن هست یا تمایل به پایین آمدن ایجاد می‌کند. آدم‌ها در دنیا مجموعه صفاتی کسب

می‌کنند که در آخرت با همان‌ها محشور می‌شوند. در آخرت حقیقت آن چیزی که در دنیا کسب کرده‌اند را می‌بینند.

آدمی که ترازویش سبک است چون دنبال تمایلات پست رفته، دنبال کارهای باارزش نرفته، نیت‌های بالا و ارزشمند نداشته است. هر کار عشقش کشیده کرده است. اصل و ریشه این آدم هوای نفسش بوده است. در قرآن داریم کسانی که از هوای نفسشان تبعیت می‌کنند. هوای نفسشان را خدا و اله خودشان قرار می‌دهند. اونی که می‌پرستند و عاشقش هستند، هوای نفسشان است. این آدم امش هاویه است چون با همین‌ها خو کرده و شکل گرفته، اصل و ریشه‌اش همین است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ (۱۰)

چه چیز می‌تواند به تو بفهماند که‌هاویه چیست

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

نار خودش داغ است. حامیه از ریشه حمی، حرارت و گرما هست.

آتشی که داغ و گرم است. این آدم در زندگی خیلی گرم دنبال هوای نفسش بوده است. با هوای نفسش گرم می‌گرفته و یک حمیت، یک تعصبی هم نسبت به آنچه دلش می‌خواسته داشته است، این آتش داغ مبدایی است که فقط می‌تواند به آن پناه ببرد.

اگر به این حقایق باور داشته باشیم، خبر می‌دهد که روزی می‌آید که خیلی هول انگیز است و روابط انسانی از بین می‌رود. در این روز آدم‌ها بسته به اینکه میزان‌هایشان چقدر سنگین است، وضعیت خوب و بدی برایش حاصل می‌شود. سوال پیش می‌آید که من چه کار کنم که در آن روز وضعم خوب باشد؟ چی کار کنم که وزن اعمالم سنگین شود؟



## فهم قرآن

یک کار برای سنگین کردن اعمال این است که کارهای باارزش بیشتری انجام دهد

مثلا می گویند می خواهد زلزله بیاید، بروید خانه تان را مقاوم سازی کنید. کمی زمان بر و هزینه بر است به هر حال باید انجام شود. هرچه اعمال صالح از جنس حق بیشتر باشد، وزن اعمالش سنگین تر می شود.

یک راه سهل تر این است که شما نیت را ارتقا بدهید. سطح همین عمل را ببرید بالا. نوعا خانمها در خانه غذا درست می کنند، این عمل وقتی نیتش ارتقا پیدا می کند وزنش زیاد می شود. برای یک کار می توانید دهها نیت بکنید، اینجوری انگار دهها کار انجام دادید مثلا من این غذا را درست می کنم به نیت اینکه خانواده ام سلامت باشند، این کار را به عنوان یک کار روز مره انجام ندهد، حواسش باشد که این کار را انجام می دهم تا خانواده ام سلامت باشند. می تواند یک "قربۀ الی الله" هم به نیتش اضافه کند، برای سلامتی خانواده ام به خاطر خدا این غذا را درست می کنم. به نیت مشارکت در کارهای خوب خانواده ام غذا درست می کنم، نذر ائمه معصومین غذا درست می کنم. روز شنبه روز پیامبر(ص) است، نذر پیامبر(ص) امروز را غذا درست می کنم. ثواب این غذا که درست می کنم را هدیه می کنم به حضرت یونس علیه السلام. یک کار ساده را با نیت های خوب انجام بده، وزنش می رود بالا. یک غذای ساده درست می کنی ولی آنقدر سنگین می شود که می تواند در سطح اعمال صالح بزرگ قرار بگیرد.

این نیت دار کردن نتایجی به دنبال دارد:

- دیگر برخی از کارها را نمی تواند انجام دهد. مثلا نمی تواند برود حال کسی را بگیرد به نیت قرب الی الله یا اینکه هدیه ثواب آن به حضرت ام البنین!!!

- سوق پیدا می کند یکسری کارهای خوب دیگر را انجام دهد. بهش الهام می شود، به دلش می افتد که یک مقدار از این غذا را به همسایه هم بدهم که باز می تواند برای این نیت های خوب دیگری هم بکند. کم کم کارهای جدیدی به ذهن انسان می رسد.

ما به این وزن گرفتن اعمال نیاز داریم برای روز قیامت. اگر دنبال وزن دار کردن اعمالمان نباشیم، می‌افتیم دنبال هوس‌های خودمان و هر کار دلمان می‌خواهد، انجام می‌دهیم.

## سوالات

**سوال:** معیار راضی بودن در آخرت قرب خداست؟

بله. به هر حال رضایت یک وضعیتی است که انسان احساس کمبود و بد ندارد، حال خوبی دارد. سوره غاشیه آدم‌ها از سعیشان راضی هستند. اینطوری نیست که اگر آدم‌ها به یک نتیجه خاصی برسند راضی می‌شوند. بالاخره خدا که هست که می‌تواند یک نتیجه باشد، ولی همینکه آدم‌ها سعی می‌کنند، از سعیشان راضی هستند. چون در مسیر درستی تلاششان را کرده‌اند، رضایت دارند. جنس رضایت می‌کشد به سمت رضایت از سعی.

**سوال:** بالاترین نیت چه می‌تواند باشد که همه نیتها را در بر بگیرد؟ مثلاً می‌شود نیت اقامه توحید در همه عالم را کرد؟

بالاترین نیت قرب به خدا و کسب رضای خداست ولی باید امکان نیت کردنش در وجودمان محقق شود. شاید لازم باشد که از نیت‌های کوچکتر شروع بکنیم. اقامه توحید در جهان هم ذیل همین قرار می‌گیرد. چرا می‌خواهید توحید اقامه شود؟ بخاطر قرب به خدا.

## اهداف تربیتی سوره در پایه‌های مختلف

### پایه اول

دادن بُعد معنوی به کارها با ذکر و دعا

کارهایی که انجام می‌دهیم می‌تواند جنبه معنوی داشته باشد. چون دنبال شادی و

نشاط هستند از قالب بازی استفاده می‌کنیم و به آن‌ها یاد می‌دهیم کارها را در قالب کارهای معنوی انجام بدهند  
مثلا در هنگام بازی‌ها ذکر خدا، ذکر ائمه بگویند، صلوات بفرستند، دعا کنند نتیجه بازیشان خوب باشد، دعا کنند  
بازی باعث خوشحالی‌شان شود و...

به فعالیتها جلوه و ظاهر معنوی می‌دهیم. به این ترتیب سوره قارعه را در زندگی شان جاری می‌کنیم.

## پایه دوم

### نیت‌دار کردن کارها و برجسته کردن نیت

بحث نیت را مطرح می‌کنیم. در این پایه به بچه‌ها می‌آموزیم که می‌توان به کارها و اعمال، نیت داد و موضوع نیت  
داشتن اعمال را برای آنها برجسته و پررنگ می‌نماییم. به عنوان مثال به آنها می‌گوییم فلان کار خوب را به خاطر  
خوشحال کردن خدا یا به نیت خوشحال کردن پدر و مادر انجام می‌دهیم.

## پایه سوم

### شناخت کار خوب نیت‌دار به عنوان اصل پاداش و نتیجه

اگر اولین سال است که این سوره آموزش داده می‌شود لازم است که مطالب پایه‌ها قبل هم به آن‌ها منتقل شود.  
بچه‌ها در سنی هستند که باید کارهای عملی تر بکنند و چارچوب کارها را بشناسند، یاد می‌دهیم که کار خوب با  
نیت خوب را به عنوان پاداش و بعنوان نتیجه بشناسند. لازم هست بچه‌ها وقتی کاری انجام می‌دهند، آنقدر این  
نیت کردن خوب برایشون اهمیت داشته باشد که دنبال چیز بعدی نباشند، خود آن نیت خوب را به عنوان پاداش  
و نتیجه بشناسند و بپذیرند.

## پایه چهارم

### شناخت کارهای غلط و حرام به عنوان کارهای بی‌وزن، بی‌ارزش و خالی از نیت

اگر اولین سال است که این سوره آموزش داده می‌شود لازم است که مطالب پایه‌ها قبل هم به آن‌ها منتقل شود. از این سوره به چهارمی‌ها یاد می‌دهیم که برخی کارها ذاتا کار خوب نیست؛ به همین دلیل اصلا نمی‌تواند دارای نیت باشد و بهتر است آن کارها از برنامه روزانه حذف شود. یعنی نمی‌شود انسان برای کار بدی، نیتی خوب داشته باشد.

## پایه پنجم

### تهیه فهرستی از اعمال ارزشمند با نیت رضای خدا، عمل به آنها و ترغیب دیگران به انجام آنها

اگر اولین سال است که این سوره آموزش داده می‌شود لازم است که مطالب پایه‌ها قبل هم به آن‌ها منتقل شود. در این پایه دانش‌آموزان باید فهرستی داشته باشند از کارهای خوب و ارزشمند که نیت‌های خوب هم داشته باشد، سعی کنند به آنها عمل کنند و دیگران را هم به انجام آنها ترغیب و تشویق نمایند.

## پایه ششم

### انجام اعمال ارزشمند نیت‌دار به صورت جمعی

اگر اولین سال است که این سوره آموزش داده می‌شود لازم است که مطالب پایه‌ها قبل هم به آن‌ها منتقل شود. برای ششمی‌ها سوره را به این صورت می‌گوییم که تلاش کنند کارهای خوب و ارزشمند را به شکل گروهی و جمعی انجام دهند و بدانند می‌شود کارهای خوب را در بستر جمع نیز انجام داد.

نکته: برای بچه‌ها بحث قیامت را مطرح نمی‌کنیم، بحث ارزشمند کردن اعمال با ارتقای نیت این سوره را بیان می‌کنیم.

## سوالات

**سوال:** هدف تربیتی پایه سوم سختشان نیست؟ مقصد دار کردن برای ما بزرگترها هم مشکل است.

منظورمان چیزی هست که در سطح بچه‌ها باشد. باید آنقدر با ارزش بودن عمل دارای نیت را جا بیندازیم که در بعضی موارد، نه همه جا بگوییم همین که شما نیت خوب کردید، همین برای شما پاداش بود.

در پایه سوم از سطح حرف باید بیاییم بالا تر تا به سطح عمل برسیم.

گاهی ما الکی به حرف می‌گوییم این کار خیلی با ارزش بود، هورا هورا... این یک سطح است. گاهی من آن را به عنوان یک کار با ارزش می‌پذیرم مثلاً به من می‌گویند آیا حاضری این کارت را با آنقدر پول عوض کنی؟ من آنقدر آن کار برای با ارزش هست که نمی‌پذیرم. اگر واقعا کار را با ارزش بدانند آن را به عنوان نتیجه می‌پذیرند. حداقل در یک کار بچه پایه سومی بپذیرد که ارزش این کار از هدیه با ارزش تر است.

می‌توانید کارهایی که بچه‌ها در مدرسه انجام می‌دهند را مطرح کنید، مثلاً درس خواندن، رابطه با دوستان، احترام به معلم و... حالا این کارهای خوب را با نیت شادی امام زمان (عج) انجام دهید. کار که کار خوبی هست، بعد چند نیت خوب به آن اضافه می‌کنیم. اول باید خود معلم این باور را داشته باشد تا بتواند القا کند که یک کار خوب با نیت خوب با خیلی از چیزها قابل مقایسه نیست. امروز که می‌خواهیم ورزش کنیم به این نیت می‌کنیم که قوی بشویم و سرباز قوی امام زمان (عج) بشویم. یا امروز تولد امام (ع) هست، به نیت شاد کردن آن معصوم، مادرمان را خوشحال می‌کنیم. این کار با این نیت خیلی با ارزش است.

باید ظرافتها را رعایت کنیم. مثلا نباید اینطور بگوییم که ما قرار است به شما هدیه

بدهیم، حالا که اینکار را کردید دیگر هدیه نمی‌دهیم، آن نیت هدیه شما بود!!! این حرف را نمی‌زنیم. منظور این است که کار خوب را که انجام می‌دهند آنقدر برایشان باارزش و جذاب باشد که باز خوردشان جوری باشد که انگار هدیه دریافت کردند. مثلا برود منزل با ذوق برای مادرش تعریف کند که این کار را کرد. باید جوری القا بکنیم که مثلا شادی امام زمان (عج) را ببینند. بفهمند که چه چیز با ارزشی بدست آوردند.

**سوال:** در پایه چهارم برای حذف کارهای بی ارزش باید برنامه داشته باشیم یا صرفا شناساندن آنها به بچه‌ها کافی است؟

حالا در هر سطحی که ممکن بود. برنامه داشته باشند که بهتر است. اگر بچه‌ها به این سطح از رشد رسیده اند که خودشان برنامه ریزی کنند. کلا سال چهارم سال برنامه ریزی است. منتها مدل یاد دادن سوره قارعه این است که سطوح پایه‌های قبل را مطرح می‌کنیم و بعد کارهایی که نمی‌شود نیت خوب برایشان داشت مثلا وقتی دوستم را هل می‌دهم نمی‌توانم نیت خوبی برای آن داشته باشم و کار بی ارزش را مثل گردوی پوک معرفی کنیم، بی ارزش است فقط ظاهر دارد. همینکه اینها را بشناسند و تشویق بشوند که آنها را ترک کنند خوب است. می‌توانیم آنها را سوق دهیم که برای آن برنامه بریزند هم خوب است. در هر سطحی که موفق شدیم خوب است.

**سوال:** با توجه به هدف سوره تکاثر، نفع و نیت را چگونه با هم جمع می‌کنیم؟

در سوره تکاثر، کار نافع سودمند چیزی که مطرح بود این بود که هر زیادی خوب نیست، در سوره قارعه همین را با رویکرد دیگری مطرح می‌کنیم مثلا زیادهای بی ارزش نباید زیاد باشن و برخی چیزها زیاد های با ارزش هستند. این مطلب برای خود ماست که نفع حقیقی، ماندگار است و این نوع نفع اخروی است. سوره قارعه هم می‌گوید برای اینکه کارها اخروی باشند باید سنگین باشد و این سنگین بودن به نیت است. نیت‌های خوب منافع بیشتری به همراه دارند و باید نگاه افراد نسبت به نفع ارتقا پیدا کند. بچه‌ها باید بدانند برخی کارها نفع دارند و برخی ندارد

و این متناسب با سن باشد. چیزی که در دبستان متوجه می‌شوند، نفع‌های عینی است.  
در سوره قارعه جنبه القایی پررنگ تر است.

**سوال:** با ارزش بودن را چطور به آن‌ها بفهمانیم؟

با القا. بچه‌ها در خانه از رفتارهای والدینشان متوجه با ارزش بودن یا نبودن آن می‌شوند. وقتی ظرفی می‌شکند و مادر خیلی ناراحت می‌شود، این القا برای بچه صورت می‌گیرد که این ظرف خیلی باارزش است. ولی نماز صبح مادر که قضا می‌شود انگار نه انگار که چیزی شده، می‌بیند مادرش از شکستن ظرف بیشتر ناراحت شد تا قضا شدن نماز. باید برای ما باارزش باشد تا بچه بفهمد باارزش است.

بچه می‌فهمد که درس خواندنش برای ما بیشتر مهم است یا نماز خواندنش. اول باید مفاهیم برای خودمان درونی شود.

**سوال:** اگر مفاهیم برای خودمان درونی نشده، مطرح نکردنش بهتر است؟

به نظرم بهتر است. همان سطحی را که می‌فهمیم بیان کنیم. نکته ای که باید توجه کنیم این است که درک خودمان را مطرح نکنیم. ممکن است درک من غلط باشد، من بدانم که چی درست است، مراتب آن درست را هم بشناسم، آن مرتبه ای که برای خودم ملموس هست را بیان کنم، مرتبه ای هم که نمی‌فهمم را می‌توانم اشاره کنم ولی رویش مانور ندهم. بچه‌ها می‌فهمند که الکی است و فقط ظاهر است. الکی بیان نکنند. خیلی وقتها آدم بخاطر شاگردهاش رشد می‌کند. من می‌دانم چیزی درست است ولی برایم درونی نشده، برای اینکه برای شاگردم یا فرزندم درونی شود، تلاش بیشتری می‌کنم که برایم درونی شود. برای اینکه می‌خواهیم آموزش درستی بدهیم، خودمان را هم رشد می‌دهیم.

**سوال:** گفتید اگر زیارت به تکاثر برسد خوب نیست، چطور در سوره قارعه زیارت با نیت خوب را ارزش بدانیم؟

## فهم قرآن

دقیقا این موضوع مطرح شد که زیارتی که به تکاثر برسد، برای بزرگترهاست. برای بچه‌ها نیست، برای بچه‌ها اشکال ندارد. بچه‌های دبستانی دوست دارند به چیزی افتخار کنند، به جای اینکه به لباسشان پز بدهند، به زیارت رفتنشان پز بدهند، اشکال ندارد.

**سوال:** در بعد مادی شاید بگوید نفع داشته و من ضرر نکردم ولی در بعد معنوی متضرر شده‌اند؟

باید مثال بزنید. متوجه سوالشان درست نشدم. کدام پایه؟ کدام بخش از سوره قارعه؟ کجا نفع را مطرح کردیم.

اللهم صل علی محمد وال محمد وعجل فرجهم